

# روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

یکشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۲ \_ اول ربیع‌الاول ۱۴۴۵ \_ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۳ - شماره ۲۲۶۰ - سال هشتم

۸ صفحه \_ قیمت ۲۰۰۰ تومان \_ ضریب کیفی ۶۱۴

www.hamdelidaily.ir hamdelidaily@gmail.com newspaper.hamdeli.com t.me/HamdelliNews

صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان

چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱ - ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰

تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج

خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۶۹۸۱۳۲۷۵ - ۰۲۱۶۹۸۱۳۲۷

## باشگاه خبرنگاران



فرشته محمدشاهی

به فصل های ناکوک اعتراض می کنم که هیچ گاه حساسیت، در کوله سفرشان نگذارند زیرا؛ حنجره ای رسا می خواهم

تا عاشقانه تر بین ترانه‌ها را -برای تو؛ ای آزادی قناری وار بخوانم!

## پیکار

### ابوالقاسم انجوی شیرازی، نگهبان قصه‌ها و فرهنگ شفاهی



بیست و پنجم شهریور ماه، سالگرد روزی است که سید ابوالقاسم انجوی شیرازی که «نجوا» را نام هنری خود برگزیده بود، راهی سرای باقی شد. سید ابوالقاسم انجوی شیرازی (۱۳۰۰ تا ۱۳۷۰)، نامی است که با خیال راحت می‌توان آن را مترادف دانست با این عبارت: «عشق به ایران و جلوه‌های فرهنگش بخش مهمی از فعالیت‌های پژوهشی مرحوم استاد سید ابوالقاسم انجوی شیرازی به کوشش‌های وی در جمع‌آوری قصه‌های عامیانه شفاهی بازمی‌گردد که در هر گوشه و کنار این سرزمین، بسته به محیط جغرافیایی و گستره فرهنگی بومی آن ناحیه، نسل به نسل انتقال یافته و بر زبان مادرزبانان و پدرزبانان یا مادران و پدران جاری شده و در گوش کوچک‌ترها خولده شده است. مجموعه «قصه‌های ایرانی» که هر چهار مجلد آن، جزوی است از مجموعه پنج دفتر «گنجینه فرهنگ مردم»، دربردارنده همین قصه‌های عامیانه جاری بر زبان مردمان جای جای ایران زمین است. سید ابوالقاسم انجوی شیرازی (نچوا) که از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۸ در چهارشنبه شب‌های رادیو، با مخاطبان خویش به سخن می‌نشت، از همین قابلیت ارتباط با مخاطب که رادیو در اختیار او نهاده بود، بهره‌ر از برد تا قصه‌های عامیانه در معرض زوال را از سراسر ایران جمع‌آوری کند. استاد انجوی البته برای این کار گردآوری قصه‌ها، قیدهایی هم گذاشته بود تا قصه‌هایی که مخاطبان

## طاقچه تاریخ

### سالروز زلزله ویرانگر طیس با هزاران کشته و تخریب کامل بناهای تاریخی



۲۵ شهریور ۱۳۵۷ زلزله‌ای به بزرگی ۷٫۴ ریشتر طیس را لرزند که شدیدترین زمین لرزه ثبت شده در ایران است و آمار قربانیان آن از شش تا ۲۵ هزار نفر اعلام شد. این روز شبح‌ترین روز زندگی همه طیبسی‌هایی است که خاطره آن تلخ دهشتناک را به خوبی در آذهان خویش دارند. شبی که در چند ثانیه شهر ویران شد و افراد نزدیکان خویش را از دست دادند. شبی که لرزش زمین تا فاصله بیش از ۵۰۰ کیلومتری احساس شد و بیش از ۱۱۳۰ آبادی دچار خسارت شد. ساعت ۱۹ و ۲۶ دقیقه غروب ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ زلزله ۷٫۴ ریشتری شهر طیس را ویران کرد، در

برخی منابع قدرت این زلزله ۷٫۸ ریشتر ثبت شده است. زلزله طیس شدیدترین زمین‌لرزه معاصر ایران است که با ویرانی شهر زیبا و تاریخی طیبسی با قدمت بیش از یک‌هزار سال طیس و روستاهای تابعه آن همراه بوده است به گونه‌ای که حدود ۳۰ روستای مجاور شهر تخریب و حدود ۱۰۰ روستای دیگر دچار خسارت شدند. شدت این زمین‌لرزه به حدی بود که حتی در تهران به فاصله چندصد کیلومتری از کانون زلزله نیز احساس شد. زلزله طیس در نوع خود از بزرگ‌ترین زلزله‌های ایران بود که تا مدت‌ها مبنای محاسبات سازه و باربند در آیین نامه زلزله ایران بود. قبیل از زلزله طیس هیچ پیش‌لرزه‌ای روی نداده، اما برخی رویدادهای غیرعادی هشداردهنده، مانند رفتار غیرعادی جنوران و نمایان شدن یک رویشانی بر فراز کوه گزارش شده است. روز اول وقوع حادثه در طیس ۲۳ سپهر و روز دوم هفت سپهر و روز سوم سه پس لرزه و در دیهوک نیز هفت پس لرزه ثبت شده است. ساز تکات قابل توجه در مورد زلزله طیس، اختلاف فاحش آمار موجود از تعداد جان‌باختگان این زلزله است. به طوری که در آمار رسمی این حادثه، شمار کشته شدگان در طیس و روستاهای اطراف حدود شش هزار و ۳۴۳ نفر اعلام شده اما با توجه به اینکه امکان ثبت دقیق تعداد کشته‌ها وجود نداشته تعداد تلفات زمین‌لرزه طیس تا بیش از ۲۵ هزار نفر نیز برآورد شده است. جاسادی-شماری از جان‌باختگان این حادثه هیچ‌گاه یافت نشد. توجه به این نکته که زلزله در نیمه‌شب رخ نداده و افراد بیدار بودند نیز ضروری است. گسل عامل زمین‌لرزه طیس حدود ۸۰ کیلومتر طول دارد که در عمق حدود ۱۰ کیلومتری سطح زمین واقع است و که از فاصله حدود ۱۰ کیلومتری شهر طیس عبوری کند و کانون این زمین‌لرزه هم در نزدیکی روستای کریت طیس واقع بود. خرابی‌ها از شهر دیهوک در جنوب شرق تا روستای اصفهک و سپس خود شهر طیس گسترش می‌یافت. پس از زلزله طیس شایعه‌ای شکل گرفت که بر اساس آن، این زلزله ناشی از دفن زباله‌های آتمی کشورهای خارجی در ایران و حتی انفجار عمدی آنها بوده است که البته با توجه به پژوهش‌های متعدد زلزله شناسی روشن است که زلزله طیس یک زمین‌لرزه کاملاً طبیعی بوده که پس از یک نبود لرزه طولانی - که هنوز نمی‌دانیم چند هزار ساله بوده است - در گسل طیس اتفاق

## چهره

### درگذشت محمد محمدعلی، نویسنده مشهور در غربت



فیض شریفی نویسنده

و این روزها این تیرها فراوان است: «فلانی هم رفت ...» همه می‌روند انگار کسی نمی‌آید. چه کسی محمد محمد علی را می‌شناخت؟ کدام جوان جسی او را می‌گیرد؟ کدام جوان اکنون محمدعلی می‌خواند؟ شاید مرگ محمد علی موجب شود که محمدعلی را کمی بخوانند اگر بخوانند چه چیزی دستگیر پیر و جوان می‌شود؟ محمد علی، کلی نبود که با یک هوک همه را روی زمین بخواهاند. شاعر و نویسنده باید بتواند هدایت، چوپک، گلشیری و بهرام صادقی را حذف کند تا سر بچینانند. محمدعلی، براهنی، گلشیری و حتا دولت آبادی نبود که برویا راه بیندازد و با این و آن شش‌ه‌روز گفت و گو کند و شاگردهای بسیار داشته باشد. محمدعلی در سایه ماند، «برهنه در باد» بود، در مه، سفر کرد، مهاجر شد و مهاجر هم زیر پا له می‌شود چون وقتی نویسنده و شاعر سفر می‌کنند به یک ولایت دیگر تباه میشوند، به جای دانستن، خاطره می‌نویسند یا فسانه، یا آدم و حوا، مشی و مشیانه و داستان‌های ناتمام می‌نویسند و تمام می‌شوند. خیلی سخت است واقعا، آدم مشهور باشد، سلبریتی و ورزشکار معرفی باشد و یک دفعه محو گردد، آن وقت انسیر دود و دم و آنرا می‌شوند. محمدعلی اما نبود این گونه، خوش

برخورد، خوش تیپ و خوشگل و قد بلند بود. او را در نمایشگاه کتاب دیده بودم، نشناختم، رئیس دانا گفت: «کتاب از ایشان چاپ نکردیم ...» اما یادش نبود، ویژه نامه‌ای چاپ کرده بود از او، چند ویژه هم درباره محمدعلی چاپ شد چند جایزه هم گرفت، ولی چه فایده؟ در کانادا خیر نیست، چند نفر بهترین‌ها گرفتند ولی آب از آب تکلی نمی‌خورد. در ایران هم اگر جایزه میزبه بگیرد، سسرت، اما جگانه سنگ می‌شود. رقیبان زیاد میشوند و حالت تو را می‌گیرند. محمدعلی اما منکر، تکبری نداشت. کسی پشت سرش حرف نمی‌زد چون او آهسته می‌رفت، آهسته می‌آمد که گریه شاخص نزند. او به جایزه میزبه وقتی نمی‌گذاشت، باری، این روزها این گونه ام، به قول ابوسعید ابوالخیر «حکایت نویس مباحث، چنان باش که از تو حکایت کنند.» داستان آن درزی بیکار بود، با رفتن هر کسی، سنگی در کوزه می‌انداخت، روزی بانگ برآمد که درزی در کوزه افتاد. محمدعلی بهترین از مرگ نداشت، او با خاطرات خیس مردگان زیست می‌کرد، مرگ برایش زندگی، زندگانی بود. اگر باز ما کتله‌های ناخوانده او بخوانیم، اگر جوانان پی‌گیرند انتولوزی هدایت تا کنون را اگر ... اگر را با مگر تجویز کردند از آن‌ها بچه‌ای شد کاشکی نام.»

محمد محمدعلی، داستان‌نویس شهسپر و نویسنده رمان‌هایی چون «برهنه در باد»، شامگاه پنج‌شنبه ۲۳ شهریور درگذشت. آقای محمدعلی در سال‌های اخیر به همراه خانواده خود در ونکوور

## داستانک

### مهندس



خیام واحدیان نویسنده

هم برای کسی پیش می‌آمد یا خیال راحت می‌رفت چون مطمئن بسود مهندس بهتر از خودش از پس کارش برمی‌آید. همه کسانی که با او کار می‌کردند بر این باور بودند تا الان کوچک‌ترین حرف یا طعنه و کنایه‌ای به کسی نگفته تا تا چه رسد به دعوا یا رفتارهای دیگری که معمولاً در شرایط سخت کاری در کارگاه‌های مختلف پیش می‌آمد. هر چه کار سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شد انگار که مهندس تازه نفستر و باحوصله‌تر می‌شد. گاهی وقت‌ها فکر می‌کرد باید دنبال آدم‌های خاص و با این اوصاف توی کتاب‌ها گشت و چنین آدم‌هایی در افسانه‌ها و داستان‌ها و ... زندگی کرده باشند اما او را که شناختم امیدوار شدم که می‌شود از این جنس انسان‌ها دید و معنای کامل بسودن را درک کرد. مهندس تا می‌توانست سکوت می‌کرد به جز اینکه به ندرت مجبور

بود در جواب سوال کسی حرفی بزند و اغلب کارها را با اشاره و طبق عادت رفتاری انجام می‌داد و تا حدودی در این کار مهارت پیدا کرده بود. می‌گفت این عادت را با تمرین به دست آورده و این کار باعث شده در طول زمان انرژی کمتری مصرف کند و توش را برای کارهای مهم بگذارد. در واقع او حرف زدن را با سه‌ها ترغیبی به تعویق می‌انداخت تا کمترین صحبت را در طول روز و هنگام کار داشته باشد. لبخند و اشاره دست و سر حرکات روزانه او در مدت کار بود، زبان بدنی که دیگران دوست داشتند و به آن عادت کرده بودند و گاهی هم برای تفریح یا امتحان کمی ادای آن را درمی‌آوردند اما طولی نمی‌کشید خسته می‌شدند و اقرار می‌کردند که این کار همه نیست. وقتی بعد دوسال ونیم کار گاه را به پایان شخصی ترک کردم فهمیدم چیزهای زیادی یاد گرفته‌ام که در این همه سال کار در جاهای مختلف به دست نیاورده بودم.

## زنگار

شب فراق که داند که تا سحر چند است مگر کسی که به زندان عشق در بند است گرفتیم از غم دل راه بوستان گیرم کدام سرو به بالای دوست مانند است؟ پیام من که رساند به یار مهرگسل که برشکستی و ما را هنوز پیوند است قسم به جان تو گفتن طریق عزت نیست به خاک پای تو توان هم عظیم سوگند است که با شکستن پیمان و برگرفتن دل هنوز دیده به دیدارت آرزومند است

## مجازستان

■ نوجوان‌ها می‌رقصن بدتون میاد، عکس دسته جمعی می‌گیرن بدتون میاد، پارتنی می‌کنن بدتون میاد، چند دختر عکس دست جمعی می‌گیرن بدتون میاد، چهارنفر میرن تو طبیعت به عکس از خودشون میدانن بدتون میاد، انتظار دارید همه مثل شما اسکولا بشینن کتج اتاق زار بزین (موقعیت مقداد)

■ خرید لوازم تحریر من به این صورت بود که روز اول مدرسه همه خودکار داشتن بجز من، زنگ تفریح دوم من خودکار داشتم و هیچکس دیگه نداشت. (سبب الله)

■ در گرفت توی شهری خیلی کوچیک، محروم، فقیر و دورافتاده بزرگ شدم. دایم با Audi الیولویی رنگش اومده بود پیشمون. رفتم فرنی بخوریم. به‌مغازه‌ای بود که تابستونا بستنی می‌فروخت، زمستونا فرنی. به دفعه دیدیم پلیس توی بلندگو داد می‌زنه: پیکان خارجی راه بیافت اقا. صاحب پیکان خارجی (بهرنگ سهرابی)

## فکرتور

### طراحی شناور برای کشف اقیانوس، زیر یخ قمرهای زحل و مشتری

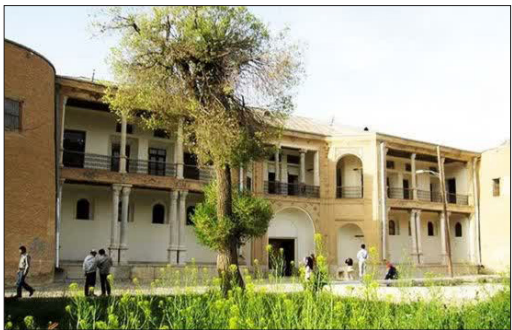
پژوهشگران آلمانی، نوعی شناور کوچک طراحی کرده‌اند که شاید روزی بتواند در اقیانوس‌های زیر قمرهای سیارات زحل و مشتری به اکتشاف بپردازد. اگرچه قمر «تسالادوس»، سیاره زحل و قمر «اروپا» سیاره مشتری هر دو دارای سطوح پوشیده از یخ هستند اما اعتقاد وجود داشته‌باشد. پروژه «TRIPLÉ-nanoAUV» ۲ ماهه‌شدف قراردادن یک شناور بدون سرنشین در اقیانوس‌ها برای جستجوی حیات انجام می‌شود. این تلاش مشترک توسط مرکز علوم محیط زیست دریایی «MARUM» در «اننشگاه برن» آلمان هدایت می‌شود. این وسیله نقلیه زیرآبی با بال‌های تاشده به عقب‌بند و سامانه‌ای متر طول و ۱۰ سانتی‌متر عرض خواهد داشت و با این پیکربندی کوچک، مسیر خود را در میان یخ به سمت پایین طی خواهد کرد و سپس به سوی یک پایگاه خواهد رفت. هنگامیکه -TRIPLÉ-nanoAUV از یخ عبور کرد به‌طور مستقل به کوش در اطراف اقیانوس ادامه می‌دهد و داده‌ها را با چندین دوربین و حسگر ثبت می‌کند. این وسیله نقلیه در فواصل زمانی معین، به سوی پایگاه بازمی‌گردد تا باتری‌های خود را شارژ کند و داده‌های ثبت‌شده خود را برای انتقال دادن به زمین، به فرودگر می‌فرستد. بهار سال ۲۰۲۶، سیستم کامل TRIPLÉ-nanoAUV ۲ در جنوبگان در نزدیکی «ایستگاه نیومایر ۳» آزمایش می‌شود. این وسیله نقلیه باید راه خود را در میان ۴۰۰ متر یخ باز کند تا دریاچه‌هایی را که گمان می‌رود در زیر آن وجود دارند، کشف کند. پروفیسور «الف باخمایر»، سرپرست این پروژه گفت: چنین وسایل نقلیه‌ای می‌توانند درک کلی بیشتری را از اکوسیستم‌های دریایی ارائه کنند. سیستم خودران جدید یک سیستم منحصربه‌فرد است و احتمالاً در آینده می‌تواند امکان مطالعه کردن اقیانوس‌ی از آب مایع را در زیر سطوح یخی قمر اروپا و قمر اتالوس فراهم کند.

## طاقچه علم

### انتقادات جهانی از نمایش موجودات فضایی در کنگره مکزیک

یک جلسه استماع یوفو در کنگره مکزیک شامل نمایش بقایای از موجوداتی غیرانسانی با بازخورد شدید بین المللی روبرو شد. منتقدان این رویداد را خفه نامیدند و از مقامات پرو(جاسی که بقایای مذکور در آنجا یافت شده) سوالاتی پرسیدند. جیمی مائوسان ژورنالیست مکزیک و یکی از کارشناسان قدیمی یوفو در جلسه استماع کنگره مکزیک دو جسد کوچک در جعبه به نمایندگان این کشور نشان داد علاوه بر سرهای کشیده، دست آنها سه انگشت داشت. او مدعی شد این اجساد در سال ۲۰۱۷ میلادی در پرو کشف شده اند و مربوط به حیات روی زمین نیستند. مائوسان در گذشته نیز ادعاهای جنجال برانگیز مشابهی را مطرح کرده بود. تصاویری از جلسه استماع کنگره مکزیک به کنجکاو در سطح بین‌المللی و همچنین انتقادات وسیع منجر شد. رایان گریوز یکی از خلبانان سابق نیروی دریایی آمریکا که در این جلسه شرکت کرده بود، تجربه شخصی خود از مشاهده یک پدیده عجیب و ناشناخته را نیز به اشتراک گذاشت و در نتیجه به انتقادات از رویداد دامن زد. او در پلتفرم ایکس نوشت: نمایش دیروز یک عقیگر بزرگ در این حوزه است. من از این شیرین کاری بی‌دلیل واقعا ناامید شدم. گریوز در ماه جولای در جلسه استماع کنگره آمریکا درباره موجودات ناشناخته نیز شرکت و اعلام کرده بود مشاهدات رویدادهای بدون توضیح در حریم هوایی به میزان بسیاری کمی گزارش شده است. مائوسان هنگام رونمایی از اجساد موجودات مذکور ادعا کرد این نمونه‌ها در پرو کشف شده و تاریخ گذاری کربنی نشان داده قدمت آنها حدود هزارسال است. او مدعی شد این موجودات به هیچ گونه ای روی زمین مرتبط نیستند. در گذشته مشخص شده بود یافته‌های مشابه بقایای مومیایی؛ کودکان بوده است.

### سرزمین قلاع تاریخی و جذابیت‌های تاریخ و طبیعت در شهرستان «کیار»



باید گفت در این قلعه، افراد مهمی زندگی کرده‌اند از جمله علی اکبر دهخدا که پس از استبداد صغیر به این قلعه پناه برد. این قلعه که در حال حاضر ۵ هزار و ۷۶ مترمربع وسعت دارد در سال ۱۲۹۲ قمری به دستور امیر مفخم بختیاری بنا شد. در حال حاضر از طبقه دوم این قلعه به منظور موزه پوشاک و از حیاط کناری قلعه به عنوان موزه سنگ استان استفاده می‌شود. در بخش موزه سنگ، سنگ‌هایی از دوره صفویه تا قاجار به نمایش گذاشته شده است. همچنین در این موزه، تصاویری از نمونه‌های پوشاک بختیاری‌ها در قدیم نیز به نمایش گذاشته شده است.

■ **قلعه مصمص السلطنه:** این قلعه در شهر شلمزار مرکز شهرستان کیار قرار دارد که توسط صدر اعظم ایران، در دوره مشروطه نجف‌قلی‌خان ملقب به مصمص السلطنه، ساخته شده است. این قلعه به صورت مسکونی بوده و مصمص السلطنه در این قلعه زندگی می‌کرد. این قلعه زمانی به عنوان پایگاه مشروطه خواهان مورد استفاده قرار می‌گرفت و اکنون در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.



ارنالدو انجلی فیاهو - برزیل